

نگرشی کوناه به قصیده قرآنیہ (حکیم الہی قمشہ ای)

در این نگرش عظمت وجودی امام امیر المؤمنین علیؑ که اسال به نام آن بزرگوار نام گرفته مطرح می باشد. این نگرش در دو بخش به محضر خوانندگان تقدیم می گردد.

شاعر و ادیب دکتر علیرضا لطفی

# نقطه ام در بسم الله و مجموع الکلام

مطلع:

جبرئیل آمد به وحی عشق و برخواند آفرینم  
گفت برگو مدح شاه دین امیرالمؤمنینم؟  
من کتاب اللہ ناطقِ نسخِ نورات و زبورہ  
منزل انجیل عیسی روح قرآن مسینم  
نقطه ام در بیا بسم اللہ و مجموع الکلام  
حرف با در اول قرآن. در آخر حرف سینم  
سوره سبع المسائی فاتحام الکتاب  
در دستندان را شفا از لطف حق در آستینم  
در الف لامیم اول شاهد لا رب فیہم  
در الف لامیم ثانی آل عمران را معینم  
آمر آتوالنساء و ان فضل اللہ المعاهد  
بشهرتین برهان رب. روشن ترین نور مسینم  
مانده. انعام. انعام والطاف الہی  
مالک اعتراف و انقالم: جهانی خوشه چینم  
چون برات تبع آشبار من شد کافران را  
در کف شهر خدا شمشیر حق بر مشرکینم  
یونس و ہودم. کہ رحمت با عیب بر قوم عالم  
یسوسیم آئینه پیش حسن یوسف آفرینم  
صیحه رعدم هراسد دل زسرق ذوالفقارم  
صدر ابراہیم خلت روشن از نور چینم  
حجر و نحل و سوره اسرای معراج رسولم  
بسر سبحان الذی اسزای احمد را امینم  
کھف خوبان جهانم. ملجأ روحانیانم  
کعبه کزوبیانم، قبلہ اهل زمینم

عظمت نام و مقام مولا امیر المؤمنین علی علیه السلام همه شاعران حق گو و حق جو را به سر شوق آورده و به سخن سرایی واداشته است.

شاعران متعدد شیعه همواره با نصب العین قرار دادن حدیث ثقلین از قرآن و احادیث علیه السلام بهره‌ای وافر برده‌اند. حدیث نبوی «علی مع القرآن و القرآن مع علی»، در قضاید و منایح جلوه‌ای خاص یافته است، از جمله شاعرانی که در قصیده‌های بلند و نغز از آیات الهی و اسماء سُور قرآن بطور کامل بهره گرفته است. حکیم الهی قمشاهی (رحمة الله علیه) است.

او در قصیده قرآنیه خود با طرفت و لطافت خاصی با الهام از مضامین آیات و اسماء سُور به مدح قرآن ناطق مولا امیر المؤمنین علیه السلام پرداخته است.

این قصیده که بامقطع

جبرئیل آمد به وحی عشق و بر خوانند آفرینم

گفت برگو مدح شاه دین امیر المؤمنینم

آغاز گردیده است و حدوده نود و یک بیت می‌باشد.

شرح و تفسیر این قصیده گرانقدر نیازمند ساعت‌ها تحقیق و پژوهش است و در این مقال، ناگزیریم بنا اشاراتی گذرا در حد بضاعت خویش به لطایف برخی آیات بپردازیم.

حکیم الهی قمشاهی علیه السلام به مدح مولا از زبان حال خود آن حضرت با معرفی آیات و اسماء سُور قرآن پرداخته است. او پس از مقدمه‌ای ۲۰ بیتی با اشاره به اسماء سُور، به نعمت حضرتش روی می‌آورد؛ از بآه «بسم الله» آغاز می‌کند و تا سینه «الباقی» این مدح را ادامه می‌دهد.

نقطه‌ام در بآه بسم الله و مجموع الکلام

حرف بآه در اول قرآن، در آخر حرف سیم

در روایات به این نکته اشاره گردیده که در مقام آن امام همام به منزله نقطه بآه بسم الله الرحمن الرحیم

می‌باشد یعنی اولین نقطه آغاز قرآن (ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام) است.

سوره سبع المتانی فاتح ام الکتابم

دردمندان را شفا از لطف حق در آستینم

به آیه ۸۷ سوره حجر اشاره دارد که در تفاسیر از سبع المتانی به عنوان سوره حمد یاد گردیده است. شاعر با عنایت به این که برای شفای بیماران حمد شفا قرائت می‌کنند؛ دوای همه دردهای بشریت را در آستین حضرتش می‌بیند و بدین نحو از چندین نام سوره مبارکه حمد، یاد می‌کند.

پس از اشاره‌ای به سوره بقره و آل عمران و نساء در یک بیت و با آوردن نام چهار سوره قرآن به گونه‌ی زیبا و لطیف به مدح مولا می‌پردازد.



## مسئله انعام انعام ز الطاف الهی

### مالک اعراف و انعام: جهانی خوشه چینم

سوره‌های مائده و انعام که سوره‌های پنجم و ششم قرآن است را از لطف الهی پاداشی به مولا علی علیه السلام می‌داند و بین آن‌ها (چهار پایان) و انعام (پاداش) جناس آورده است. شاید اشاره‌ای نیز به پاداش‌های گذشته داشته باشد که از باب تکریم کسی را بر جوان و سفره خود دعوت می‌کردند و یا به نشان سپاسگزاری به افراد، چهارپایی هدیه می‌کردند و با این فرض شاعر صنعت مراعات النظیر نیز در این بیت استفاده نموده است. در مصرع دوم همه انسان‌ها را نیازمند جوان کرم مولا، در دنیا و چه در آخرت می‌داند. اعراف اشاره به آخرت و حدیث معروف دارد که «علی خُتُّ حُتَّة فِیْمِ النَّارِ وَالْحُتَّةُ وَ الْفَالُ بِرِ اسَاسِ اُولَیْنِ اَیة سوره انفال متعلق و مخصوص خداوند و رسول الله صلی الله علیه و آله است. «فَلِ الْاِنْفَالِ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ»؛ خوشه چینم، صفتی برای نیازمندان است و در فرهنگ لغات به کسی اطلاق می‌شود که پس از برداشت گندم از روی نیازمندی در مزایع، خوشه‌های باقیمانده را جمع آوری می‌کند و چون شأن امیر المؤمنین در دنیا و آخرت بسیار بالا است، در روز نیازمندی قیامت همه خوشه چین خرمن حضرتش می‌باشند.

### چون برانت تیغ آتشبار من شد کافران را

### بر کف قهر خدا شمشیر حق بر مشرکینم

مفسران شیعه و سنی، از سوره توبه، شأن نزول و مأموریت ابلاغ حکم خداوند به مشرکان، توسط امیر المؤمنین علیه السلام سخن رانده‌اند و این بهترین نکته برای توصیف شاعر در مدح آن حضرت فرار گرفته است و می‌گوید همچنانکه سوره توبه با آتش هر خداوند نسبت به مشرکان و کافران سخن را آغاز می‌کند و من رساننده این پیغام به مشرکانم، انتخاب من برای این مأموریت بیانگر این مطلب است که من شمشیر حق در کف خداوندی برای قلع و قمع مشرکین هستم. در بیتی دیگر با اشاره به سوره‌های رعد و ابراهیم چنین می‌شاید:

صیحه رعدم هراسد دل ز برق ذوالفقارم

### صدر ابراهیم خلت؛ روشن از نور حبیبم

شاعر به تناسب سوره رعد و صدای هراسناک آن، فریاد مولا را در هنگام جهاد با دشمنان به عمد تشبیه می‌سازد و از آنجا که همراه هر رعدی برقی هم در آسمان می‌درخشد، درخشش ذوالفقار را نیز به برق تشبیه می‌سازد. در مصرع دوم به تناسب نام سوره ابراهیم علیه السلام و خلیل الهی او، سینه پرمهرش را از نور حبیب صلی الله علیه و آله روشن می‌داند. در بیت بعد علاوه بر ذکر نام سه سوره حجر و نحل و اسرا که نوعی مراعات النظیر است، صنایع بدیعی دیگری نیز در آن دیده می‌شود.

### حجر و نحل و سوره اسری معراج رسولم

### سر سبحان الذی اسرای احمد را امینم

شاعر به تناسب سوره اسرا و معراج نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اسرازی که طبق روایات و مقاماتی که از مولا علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داده شد، امیر المؤمنین را سر سوره اسرا می‌داند بر اساس حفظ سر الهی، سکوت را با صنعت

واج آرایی یا شش حرف سین تداعی می‌کند.  
 در پیش دیگری برای ارتباط دادن سوره شعرا با حضرتش می‌سراید:  
**شاعران اهل ایسمان را بسخن آرا کلامم**

### مظهر طاسین و میم و ملهم شعر مستینم

از آنجا که امیر المؤمنین علیه السلام خود سرآمد فصحا و شعرای عرب است و مهارت و تسلط او در شرایش اشعار عربی حکمت‌آمیز مصداق بارز «ان من الشعر الحکمه وان من البیان سحر» است و در سوره شعرا که با حروف مقطعه ط و سین میم، آغاز می‌شود و در آیاتی؛ شعرا را در وادی سرگشتگی حیران می‌داند؟ جز آنانکه ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند (الشعری يتبعه الغاوان...)

شعرای یا ایمان از شعر متین حضرتش الهام می‌گیرند و سخن آرایی می‌کنند. آنچه قابل تأمل است عنایت مرحوم الهی قمشه‌ای به آیات اول سوره، به ویژه حروف مقطعه است، به طوری که در اغلب سوره‌ها اشاره به این حروف دارد.

رمز طا سینم به نمل و رهبر هم یوقنوتیم

### وان قیامت قامت کل اتوه داخرینم

چنانکه مشاهده می‌کنید با اشاره به حروف مقطعه سوره نمل به دو آیه این سوره اشاره صریح دارد.  
 در آیه دوم که صفات مؤمنین را بیان می‌کند «ان الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم یوقنوا» و از آنجا که مولا علی علیه السلام رهبر اهل یقین است این آیه نیز در شأن اوست.  
 مصرع دوم اشاره به آیه ۸۷ سوره نمل دارد که توصیفی از روز قیامت است، گه غمه سر افکند. وارد سحرای محشر می‌شوند جز (مولا علی علیه السلام)

که در آن روز او سرفراز و قامت افراخته و بدون هیچ هراسی وارد صحرای محشر می‌شود.  
 حکیم الهی قمشه‌ای سعی دارد در هر سوره یکی از مهم‌ترین آیات را در شأن آن حضرت بیان نماید. لذا در سوره قصص اشاره به آیه ۵ می‌نماید و می‌سراید:  
**در قصص بر خوان نوید آن نمین گایایی**

### در و نجعلهم ائمه یاب کل الهار ثینم

آن بشارت و نوید خداوندی بر مستضعفان که امامانی بر ایشان قرار داده می‌شود و متجی ایشان خواهد بود را فرزند ان ابرائیم امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌داند که اولین زمین نیز می‌باشد همانگونه که پیش از این نیز شاهد بودیم گاه چندین سوره را در یک بیت به گونه‌ای مرتبط با موضوع خویش می‌سازد، در بیت زیر به سوره احزاب، سبا و فاطر را با ظرافتی خاص به هم گره می‌زند و توصیف حضرتش را می‌نماید.  
**میر احزابم به ملک دین سلیمان سنایم**

### آسمان را فاطر از فرمان رب العالینم

پس آنکه مستحضرید در جنگ احزاب امیر المؤمنین علیه السلام سرآمد همه رزمندگان اسلام و جهادگران گردید تا آنجا

که در شأن او فرمودند: «ضربه علی فی يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين» «ضربه علی علیه السلام در جنگ خندق (احزاب) از عبادت جمیع جن و انس بالاتر است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام رویارویی ایشان با عمرو بن عبدود فرمودند: امروز همه اسلام در مقابل همه کفر قرار دارد. بدین سبب امیر جنگ احزاب علی علیه السلام است.

در ادامه اشاره‌ای به آیات ۱۱ تا ۱۵ سوره سباء دارد، که حضرت سلیمان علیه السلام پس از حضرت داود علیه السلام، پادشاه آن سرزمین بود سیاراً ملک دین و علی علیه السلام را به سلیمان پادشاه آن ملک تشبیه کرده است. در مصرع دوم نیز اشاره به آیه اول سوره فاطر دارد، که: الحمد لله فاطر السموات و الارض.

در امیر احزاب بودن و پادشاه ملک دین بودن و فاطر آسمان بودن از سویی و فرمان خدا، نوعی حکومت و استیلا و برتری، در شأن حضرت مولی الموحدین علی علیه السلام به چشم می‌خورد و نوعی مراعات نظیر در این بیت دیده می‌شود، در سیر حروف مقطعه، سوره یاسین نیز می‌سراید:

سیر یاسینم که بر جن و ملک مالک رقابم

کنه انسانم دو عالم منطوی در یا و سینم

رمز حروف مقطعه «یاسین» در سوره «یس» را مولا علی علیه السلام می‌داند و بر همین اساس فرشتگان و جنیان را در حیظه اختیار خود قرار داده است، من همان یا و سین هستم که جوهر و کنه انسان در یا و سین من پیچیده شده است.

حکیم الهی قمش‌ای با همین روش تا آخر قرآن به توصیف مولا می‌پردازد و فصیده او از نادرترین قصاید است که از قرآن بدین شکل بهره گرفته است. (روحش شاد و از خوان کرم امیر المؤمنین علیه السلام منعم باد.)

والسلام

